

تفسیر سوره



### سیمای سوره تحریم

این سوره دوازده آیه دارد و در مدینه نازل شده است.

نام آن برگرفته از آیه اول است که خداوند، تحریم آنچه را بر انسان حلال شمرده، نکوهش می‌کند، گرچه این تحریم، نوعی محروم کردن خود از لذات حلال، به دلایل مختلف فردی و اجتماعی باشد.

آیات نخست سوره درباره رفتار ناشایست برخی همسران پیامبر با آن حضرت است و آیات بعدی، مؤمنان را مخاطب قرار می‌دهد که نسبت به خانواده خود و تربیت آنها مراقب باشید تا گرفتار دوزخ نشوید. آنگاه در ادامه به الگوهای مثبت و منفی زنان اشاره نموده و در هر بُعد، دو زن را معرفی می‌فرماید. همسر نوح ولوط را به عنوان الگوی منفی و همسر فرعون و حضرت مریم را الگوی مثبت معرفی می‌کند.

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

به نام خداوند بخششندۀ مهربان

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لَمْ تُحَرِّمْ مَا أَحَلَ اللَّهُ لَكَ تَبْغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَ  
اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۲﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةً أَيْمَانِكُمْ وَأَنَّ اللَّهُ  
مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

ای پیامبر! چرا چیزی را که خداوند برای تو حلال کرده، به خاطر جلب رضای همسران، بر خود حرام می‌کنی. خداوند آمرزندۀ و مهربان است. همانا خداوند، (راه) رهایی (از تعهد) سوگندهایتان را (با پرداخت کفاره) برای شما مقرر کرده است و خداوند سرپرست شماست و او دانا و حکیم است.

## نکته‌ها:

❑ برای این آیه، شأن نزولهای متفاوتی بیان شده است، اما آنچه مسلم است پیامبر که همسران متعدد داشت، گاهی گرفتار رفتارهای حسادت‌آمیز آنان می‌شد و به خاطر جلب رضایت عمومی آنان، از حقوق مشروع خود می‌گذشت. با آنکه این تحریم‌ها، امری شخصی بود، اما چون پیامبر به عنوان الگوی جامعه معزفی شده است، ممکن بود دیگران احساس کنند حکم شرعی است و از آن پیروی کنند. لذا خداوند پیامبرش را از آن برحدار می‌دارد و در واقع به مردم می‌فهماند که این گونه رفتارهای پیامبر، شخصی بوده و نباید برای دیگران ملاک عمل قرار گیرد.

❑ یکی از دلایل اینکه قرآن از طرف خداوند نازل شده است، لحن توبیخی قرآن نسبت به پیامبر در برخی آیات است، زیرا هیچ کس در کتاب رسمی و همیشگی اش، خودش را توبیخ نمی‌کند و همین عتاب‌ها نشانه آن است که وحی الهی تحریف نشده است. نمونه دیگر آن را در آیه ۲۳ سوره توبه می‌خوانیم که درباره مرتضی دادن پیامبر برای ترک جبهه به بعضی از راحت طلبان می‌فرماید: «عَنِ اللَّهِ عَنْكُمْ لَمْ أَذِنْتُ لَهُمْ»

❑ رعایت اهم و مهم را فراموش نکنیم. سوگند اهمیت دارد، ولی حفظ احکام دین مهم‌تر است و لذا کسی که سوگند خورده، حلالی را بر خود حرام کند، سوگندش از طریق پرداخت کفاره شکسته می‌شود و میزان این کفاره در آیه ۸۹ سوره مائدہ آمده است: «وَكَفَارَهُ اطْعَامٌ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ مِّنْ أَوْسِطِ مَا تَعْمَلُونَ أَهْلِكُمْ أَوْ كَسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقْبَةٍ فَنِ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَارَةٌ إِيمَانُكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ»

❑ تحریم پیامبر، یک محروم کردن شخصی، از طریق سوگند بود که در این آیه، راه نجات از آن مطرح شده است.

## پیام‌ها:

- ۱- انبیا، تحت تربیت الهی هستند. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لَمْ تَحْرُمْ»
- ۲- حتی پیامبر، حق ندارد بی‌دلیل حلال خدا را بر خود حرام کند. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لَمْ تَحْرُمْ»
- ۳- خشنودی خدا بر خشنودی دیگران مقدم است. «لَمْ تَحْرُمْ... تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ»

۴- خواسته زن اگر فراتر از احکام الهی و حقوق همسری باشد، نباید عملی شود.

﴿لَمْ تَحْرِمْ... تَبْتَغِي مَرْضَاتِ ازْوَاجِكَ﴾ (راضی کردن همسر به هر قیمت، لازم نیست).

۵- یکی از اموری که انسان را گرفتار می‌کند، علاقه به کسب رضایت دیگران به هر قیمتی است. «تبتغی مرضات ازوجاک»

۶- توبیخ افراد بزرگوار باید همراه مغفرت و رحمت باشد. «یا ایّهَا النَّبِيُّ لَمْ تَحْرِمْ... وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

۷- خداوند، هم گذشته را جبران می‌کند، «غفور رحیم» و هم راه را برای آینده باز می‌کند. «فَرِضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلَةً أَيَّانَكُمْ»

۸- توبیخ و انتقاد باید همراه با بیان راه حل و راه‌گشایی باشد. «لَمْ تَحْرِمْ... تَحْلَةً أَيَّانَكُمْ»

۹- در اسلام بن بست وجود ندارد. (هیچ حکمی حتی سوگند نمی‌تواند تمام راهها را بر انسان بیندد). «قَدْ فَرِضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلَةً أَيَّانَكُمْ»

۱۰- ما عبدیم و باید مطیع مولی باشیم، حلال را حلال شمریم، گرچه به قیمت شکستن سوگند باشد. «هُوَ مَوْلَاكُمْ»

۱۱- دستورات خداوند عالمانه و حکیمانه است، او مشکلات را حل و گره‌ها را باز می‌کند. «فَرِضَ اللَّهُ... وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

﴿۳﴾ وَإِذْ أَسَرَّ اللَّنِي إِلَى بَعْضِ أَرْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأْتُ بِهِ وَأَظْهَرَهُ  
اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَاتَلْتُ  
مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

و آن گاه که پیامبر به بعضی از همسرانش سخنی را به راز گفت، پس

چون آن زن، راز را (به دیگری) خبر داد و خداوند، (افشاای) آن را بر پیامبر

ظاهر ساخت، و پیامبر بعضی (از افشاگری‌های آن زن را به او) اعلام و از

بیان برخی اعراض نمود. پس چون به آن زن خبر داد، (زن) گفت: چه کسی

تو را از این خبردار کرد؟ پیامبر فرمود: خداوند دانای خبیر به من خبر داد.

## پیام‌ها:

- ۱- زن باید رازدار باشد تا همسرش بتواند اسرارش را به او بگوید. «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيَّ إِلَى بَعْضِ ازْوَاجِهِ»
  - ۲- بیان برخی مطالب برای تمام افراد خانواده، ضرورتی ندارد. «إِلَى بَعْضِ ازْوَاجِهِ»
  - ۳- آبروی افراد خطاکار را حفظ کنید و نام آن‌ها را نبرید. «بَعْضُ ازْوَاجِهِ... نِبَّاتُ بَهِ»
  - ۴- زنان پیامبر، معصوم نبودند، زیرا رازدار آن حضرت نبودند. «أَسْرَ النَّبِيِّ... نِبَّاتُهُ»
  - ۵- پیامبر اسلام نیز گرفتار مسائل خانوادگی بود. «أَسْرَ النَّبِيِّ... نِبَّاتُ بَهِ»
  - ۶- خداوند به پیامرش عنایت ویژه دارد و مشت کسانی را که نسبت به پیامبر وفادار نیستند باز می‌کند. «نِبَّاتُ بَهِ... اَظْهَرَهُ اللَّهُ»
  - ۷- رهبر جامعه نباید از مسائل داخلی و خانوادگی خود غافل باشد. «اَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ»
  - ۸- خداوند از طریق غیب، پیامرش را آگاه می‌کند. «اَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ»
  - ۹- لغش‌ها را به خود افراد بگوید نه دیگران. «عَرَفَ بَعْضَهُ»
  - ۱۰- در مدیریت، گاهی تغافل و سعه صدر لازم است. «وَاعْرَضْ عَنْ بَعْضِهِ»
  - ۱۱- تمام لغش‌های خطاکاران را به رخ آنان نکشید. «وَاعْرَضْ عَنْ بَعْضِهِ»
  - ۱۲- آن که اسرار دیگران را سری فاش می‌کند، احتمال بددهد که این سر او نیز فاش شود. «نِبَّاتُ بَهِ... نِبَّاهَا بَهِ»
  - ۱۳- سرچشمه علم انبیاء، علم الهی است. «نِبَّانِ الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ»
  - ۱۴- منبع خبر و خبردهنده، باید عالم و خبیر باشد. «نِبَّانِ الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ» (خبری قابل ارزش و استناد است که بر پایه علم و آگاهی باشد.)
  - ۱۵- افشاگری خداوند نشانه حضور و نظرارت او و ایمان به حضور خداوند علیم و خبیر، می‌تواند انسان را از هرگونه گناه و توطئه باز دارد. «الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»
- ﴿٤﴾ إِن تَتُوبَا إِلَى اللهِ فَقَدْ صَغَّتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

اگر شما دو نفر، (افشاگر راز و شنونده آن) به سوی خدا توبه کنید، (به نفع شماست). زیرا دل‌های شما منحرف گشته است. و اگر در مقابل پیامبر یاور هم باشید، (کاری از پیش نخواهید برد). زیرا خداوند، اوست یاور او و هم چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند.

### نکته‌ها:

- «صفت» از «صفو» به معنای تمایل به انحراف است و «اصفاء» به گوش دادنی گویند که شنونده به گوینده تمایلی داشته باشد.
  - به اتفاق مفسران شیعه و سنتی، مراد از آن دوزن که در این آیه «**تَوْبَا... صَغْتَ قُلُوبَكُمَا**
- مورد خطاب توبه قرار گرفته‌اند، حفصه و عایشه است که اولی افشاگر راز پیامبر و دومی، شنونده آن بود.
- ۵۲ حدیث از شیعه و سنی نقل شده است که مراد از صالح المؤمنین، علی بن ابیطالب علیہ السلام است. بر اساس این روایات، علی بن ابیطالب علیہ السلام در کنار جبرئیل و بلکه میان او و سایر فرشتگان قرار گرفته است و این مقام را پیامبر اکرم علیہ السلام به آن حضرت بشارت دادند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- به خاطر یک خلاف، همه را زیر سؤال نبرید. **«تَوْبَا»** (دو نفر باید توبه کنند، نه همه).
- ۲- برای افراد شرمنده، راه بازگشت و توبه را باز کنید. **«ان تَوْبَا»** البته برای هر گناهی توبه‌ای لازم است.
- ۳- شنیدن راز نیز ممنوع است. خداوند به گوینده و شنونده، هردو می‌فرماید توبه کنید. **«تَوْبَا»**
- ۴- خداوند، هم مولای همه است و هم مولای شخص پیامبر. در آیه دوم فرمود: **«وَاللَّهِ مُوْلَاكُمْ»** و در این آیه در خصوص پیامبر می‌فرماید: **«هُوَ مُوْلَاهُ»**

---

۱. تفسیر کنز الدقائق.

۵- نام برجستگان را برجسته کنید. با این که جبرئیل از فرشتگان است، اما نامش جداگانه برده شده است. «جبریل... و الملائكة»

۶- گاهی یک حادثه و جرقه، بیانگر یک جریان است. فاش کردن یک راز، جزئی بود، ولی خداوند آن را یک توطئه قلمداد کرد. «تظاهرها علیه»

۷- همسری و همنشینی، نشانه هم‌فکری و همدلی نیست. «ازواجه... تظاهرها علیه»

۸- توبه تنها اظهار پشیمانی با زبان نیست، توبه واقعی بازگشت دل گنهکار است.

«توبا... صفت قلوبکما»

۹- مهم‌تر از انحراف در عمل، انحراف روح و دل است. ابتدا فکر و دل انسان منحرف می‌شود، سپس مرتكب خلاف می‌شود. «صفت قلوبکما»

۱۰- کسانی که رازی را بی‌دلیل افشا می‌کنند، اگر توبه نکنند توطئه گرند. «ان توبا... تظاهرها علیه»

۱۱- در برابر توطئه علیه پیامبر و مكتب، تمام نیروها باید بسیح شوند. «تظاهرها علیه... هو مولا و صالح المؤمنین و الملائكة... ظهیر»

۱۲- حق، هیچ‌گاه تنها نمی‌ماند. «هو مولا و جبریل و صالح المؤمنین و...»

۱۳- صالح بودن، انسان را در کنار فرشتگان مقرب الهی قرار می‌دهد. «جبریل و صالح المؤمنین»

۱۴- فرشتگان، یاور پیامبر در برابر توطئه‌ها هستند. «و الملائكة بعد ذلك ظهير»

۱۵- امدادهای الهی، همه جانبی، ظاهری و غیبی است. «صالح المؤمنین و الملائكة»

﴿۵﴾ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًاٌ خَيْرًاٌ مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ  
مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَأْبِيَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَبِيَّاتٍ وَأَبْكَارًاٌ

اگر پیامبر شما را طلاق دهد، امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما را

جانشین سازد. زنانی تسلیم، مؤمن، فرمانبر، اهل توبه، عبادت‌پیشه، روزه‌گیر،

شوهر کرده یا دوشیزه.

## نکته‌ها:

■ «قنوت»، اطاعت همراه با خضوع است. «سائحت» از سیاحت به معنای اهل هجرت و روزه است.

■ با آنکه پیامبر همسران متعددی داشت و برخی از آنان نیز اسباب آزار پیامبر را فراهم می‌آوردند، اما پیامبر هیچ کدام را طلاق نداده است. لذا طرح موضوع طلاق در این آیه، به معنای عدم وابستگی پیامبر به هیچ کس و هیچ چیز است، تا نزدیکان پیامبر گمان نکنند حضرت به آنان نیاز دارد و یا آنان افراد مهمی هستند، بلکه چه بسا افرادی بهتر و لایق‌تر از آنان وجود دارد که آرزوی همسری پیامبر را در سردارند.

■ این آیه نیز به گونه‌ای فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآن را بیان می‌دارد. زیرا ایمان، تواضع، توبه، عبادت و روزه در یک نفر جمع می‌شود، لذا آنها را بدون حرف واو آورده، ولی باکره و بیوه بودن در یک نفر جمع نمی‌شود، لذا میان این دو صفت، حرف واو آمده است.<sup>(۱)</sup>

■ همسر پیامبر باید با پیامبر سنتیت داشته باشد. در بیان ویژگی‌ها، سخنی از شکل، قبیله، سرمایه و شهرت نیامده ولی ایمان و عبادت مطرح شده است، زیرا متناسب با رهبری الهی، کمالات معنوی است.

■ ازدواج با بیوه در کنار باکره آمده است، تا به پیامبر ﷺ نسبت کامیابی جنسی داده نشود.

## پیام‌ها:

۱- انسان نیاز به همسر دارد و در صورت طلاق، می‌تواند جایگزین کند. «ان طلقکن... بدله»

۲- مقابله با همسر و عذرخواهی نکردن و پشیمان نشدن، ممکن است زن را تا مرز طلاق و جدایی پیش بیرد. «تظاهر... طلقکن»

۳- یکی از قوی‌ترین اهرم‌ها در برابر توطئه زنان، تهدید به طلاق است. «تظاهر... علیه... طلقکن»

۱. تفسیر کشاف.

- ۴- تمام زنان پیامبر، بهترین زنان عصر خود نبودند. «خیراً منکن»
- ۵- غرور کاذب افراد را بشکنید و در برابر پندرهای باطل بایستید. «خیراً منکن»
- ۶- ارزش واقعی زن، به کمالات اوست. «خیراً منکن مسلمات، مؤمنات...»
- ۷- عقیده بر عمل مقدم است. اول اسلام و ایمان، سپس عبادت و روزه. «مسلمات مؤمنات... عابدات سائحت»
- ۸- ایمان و عبادت زن، مهم تر از باکره یا بیوه بودن اوست. «مؤمنات... ثیبات و ابکارا»
- ۹- در ازدواج مجدد، زنان بیوه بر باکره مقدم‌اند. «ان طلّقكُن... بيدله ازواجاً... ثیبات و ابکارا»

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوَّاً أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت گیر نگهبانند و خدا را در آنچه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند.

#### نکته‌ها:

- «وَقُود» به معنای ماده اشتعال زاست، همچون نفت و زغال سنگ. لذا برخی مفسران، مراد از «الحجارة» را مواردی همچون زغال‌سنگ دانسته‌اند. در حدیث می‌خوانیم: سنگ آتش‌زاء، همان کبریت و گوگرد است.<sup>(۱)</sup>
- در روایات آمده است که جوانی با شنیدن این آیه بر زمین افتاد و پیامبر اکرم ﷺ به او وعده بهشت داد و فرمود: «ذلک لمن خاف مقامي و خاف وعید»<sup>(۲)</sup> بهشت مخصوص

۱. بحار، ج ۱۷، ص ۳۶۴. ۲. ابراهیم، ۱۴.

کسانی است که از مقام من پروا داشته و از وعده‌های عذاب من بترسند.

■ در روایات می‌خوانیم که شیوه حفظ بستگان از آتش دوزخ، امر به معروف و نهی از منکر آنان است که اگر قبول کردند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، تو به وظیفه‌های عمل کرده‌ای. «ان اطاعوک کنت قد و قیتهم و ان عصوک قد قضیت ما عليك»<sup>(۱)</sup>

■ در روایتی می‌خوانیم: «رحم الله رجالاً قال يا اهلاء! صلاتكم صيامكم زكاتكم مسکينكم يتيمكم جيرانكم»<sup>(۲)</sup> رحمت خدا بر کسی که به خانواده‌اش هشدار دهد که مراقب نماز و روزه و زکات و فقرا و ايتام و همسایگانتان باشید.

■ شاید «وقودها الناس»، اشاره به تجسم عمل انسان در قیامت باشد که خصلت‌ها و اعمال زشت او در دنیا، در آن روز آتش‌گیره می‌شود.

### مسئولیّت انسان در برابر خانواده

در آیات متعددی از قرآن به رسالت انسان در برابر خانواده‌اش اشاره شده است، از جمله:

«قوا انفسکم و اهليکم ناراً»<sup>(۳)</sup>

«و أمر أهلك بالصلة و اصطبِرْ علَيْهَا»<sup>(۴)</sup> اهل خود را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن.

«و اندر عشيرتك الاقربين»<sup>(۵)</sup> نزدیک‌ترین بستگانت را هشدار ده.

«يا بنى اقم الصلة و أمر بالمعروف»<sup>(۶)</sup> فرزندم! نماز به پا دار و امر به معروف کن.

«قل لازوا جك و بناتك و نساء المؤمنين»<sup>(۷)</sup> ای پیامبر! به زنان و دختران خود و سپس زنان مؤمنان بگو...

«ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم و اهليهم يوم القيمة»<sup>(۸)</sup> زیانکاران واقعی کسانی هستند که خود و خانواده‌شان در قیامت باخته‌اند.

«انما كنا في اهلنا مشفقين»<sup>(۹)</sup> مردان خدا در مورد خانواده دغدغه دارند و بی‌تفاوت نیستند.

۳. تحریم، ۶.

۲. تفسیر مraigی.

۱. تفسیر نور الثقلین.

۶. لقمان، ۱۷.

۵. شعراء، ۲۱۴.

۴. طه، ۱۳۲.

۹. طور، ۲۶.

۸. زمر، ۱۵.

۷. احزاب، ۵۹.

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ﴾<sup>(۱)</sup> پیامبر، همواره خانواده‌اش را به نماز سفارش می‌کرد. در روایات نیز توجه بسیاری به این موضوع شده که چند نمونه‌ای ذکر می‌شود: امام علی علیہ السلام می‌فرماید: «عَلِمُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيَّكُمُ الْخَيْرَ وَ ادْبُوْهُمْ»<sup>(۲)</sup> به خود و خانواده‌تان خیر بیاموزید و آنان را ادب کنید.

پیامبر اکرم علیہ السلام فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْؤُلٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ... فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَّةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهَا وَ لَوْلَاهُ»<sup>(۳)</sup> همه شما نسبت به زیر دست خود مسئول هستید. مرد، مسئول خانواده‌اش، مسئول شوهر و فرزندش است.

پیامبر اسلام علیہ السلام می‌فرماید: «مَرِّوَا صَبِيَّانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سِبْعَ سَنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكَهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًاً وَ فَرِقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا»<sup>(۴)</sup> همین که فرزندتان به هفت سالگی رسید، آنان را به نماز فرمان دهید و همین که نه ساله شدند، سخت‌گیری تا مرز تنیه بدنی مانع ندارد و بستر و رختخواب آنان را در ده سالگی جدا کنید.

■ قرآن در سوره مذثرا، تعداد فرشتگان دوزخ را نوزده نفر می‌داند: «عَلَيْهَا تِسْعَةُ عَشَرَ»<sup>(۵)</sup> و شاید وصف «غلاظ شداد» در این آیه (۶ تحریم)، حالات همان نوزده فرشته باشد.

■ شاید مراد از «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ»، همان فرمان خداوند نسبت به گرفتن و بستن و در آتش انداختن دوزخیان باشد که در جای دیگر می‌خوانیم. «خَذُوهُ فَغَلُوْهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوْهُ»<sup>(۶)</sup> و یا «خَذُوهُ فَاعْتُلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ثُمَّ صَبِّوْهُ فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْجَحِيمِ»<sup>(۷)</sup>

■ چون در میان فرشتگان نیز سلسله مراتب وجود دارد، «وَ مَا مَنَا إِلَّا لِهِ مَقَامٌ مَعْلُومٌ»<sup>(۸)</sup> شاید مراد از «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ» همان فرمان‌هایی باشد که فرشتگان برتر به فرشتگان تحت امر خود می‌دهند، آنان نیز بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند.

■ هم خودتان را حفظ کنید، «قُوا أَنفُسَكُمْ» و هم از خداوند بخواهید شما را حفظ کند. «رَبَّنَا... قَنَا عَذَابَ النَّارِ»<sup>(۹)</sup>

- |                           |                  |
|---------------------------|------------------|
| ۱. مریم، ۰۵۵.             | ۲. تفسیر مراغی.  |
| ۴. بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۴.     | ۵. مذثرا، ۳۰.    |
| ۶. حافظه، ۳۰ - ۳۱.        | ۷. دخان، ۷ - ۴۷. |
| ۸. صفات، ۱۶۴.             | ۹. بقره، ۲۰۱.    |
| ۳. مجموعه وزام، ج ۱، ص ۶. |                  |

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان داشتن کافی نیست، حفظ آن از خطرات و آسیب‌ها مهم است. پس باید مراقبت کرد. «یا ایهَا الّذین آمنوا قوا انفسکم»
- ۲- اولین گام در اصلاحات، اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است. در این آیه، اصلاح خود و بستگان و سپس در آیه نهم، اصلاح جامعه از طریق جهاد با کفار و منافقان آمده است. «قوا انفسکم و اهليکم»
- ۳- ایمان به معاد و دوزخ، نقش مهمی در ایجاد تقوی و اصلاح خود و دیگران دارد. «قوا انفسکم و اهليکم نارا و قودها الناس و الحجارة»
- ۴- تربیت دینی فرزندان، بر عهده مدیر خانواده است. «قوا انفسکم و اهليکم ناراً»
- ۵- نفس انسان، سرکش است و نیاز به حفاظت دارد. «قوا انفسکم»
- ۶- اولی ترین فرد به حفظ انسان، خود انسان است. «قوا انفسکم»
- ۷- تا زنجیر از پای خود باز نکنیم، نمی‌توانیم دیگران را آزاد کنیم. خودسازی شرط موفقیت در ساختن خانواده و جامعه است. «قوا انفسکم و اهليکم»
- ۸- کیفر رها کردن خانواده و نزدیکان، هیزم آتش دوزخ شدن است. «وقودها الناس و الحجارة»
- ۹- کسانی که در دنیا سنگدل باشند، «فهی كالحجارة او اشدّ قسوة»<sup>(۱)</sup> در آن روز نیز در ردیف سنگ قرار می‌گیرند. «وقودها الناس و الحجارة»
- ۱۰- در مدیریت، مسئول هر کار باید با آن کار سنتیت داشته باشد. اگر مسئول دوزخ، غلاظ و شداد نباشد، یا خودش اذیت می‌شود و یا به رسالت خود درست عمل نمی‌کند. «عليها ملائكة غلاظ شداد»
- ۱۱- گرچه انسانِ معصیت کار به دوزخ می‌رود، اما فرشتگان دوزخ، در عذاب کردن او معصیت خدا را نخواهند کرد. «لا يعصون الله ما أمرهم»

۱۲- فرشتگان، نه دستورات گذشته را تمرد کرده و می‌کنند، «ما امرهم» نه دستوراتی که بعداً به آنان داده می‌شود. «ما یؤمرون»

**﴿۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوْا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوُنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**

(در قیامت به کافران خطاب می‌شود) ای کسانی که کافر شدید! امروز عذرخواهی نکنید، زیرا جز این نیست که جزا و کیفر شما همان عملکرد خودتان است.

### نکته‌ها:

- در تمام قرآن، فقط همین یک آیه با جمله «یا ایها الذین کفروا» شروع شده و کافران را مورد خطاب قرار داده که آنهم مربوط به قیامت است.
- قیامت موافق گوناگونی دارد: در موقفی از قیامت اجازه عذرخواهی داده نمی‌شود. «لا یؤذن لهم فيعتذرون»<sup>(۱)</sup> و در موافق دیگر هم که عذرخواهی می‌کنند، پذیرفته نمی‌شود. «لا ینفع الَّذِينَ ظلموا معاذرَتَهُمْ»<sup>(۲)</sup> و موقفی حتی اجازه سخن گفتن داده نمی‌شود.<sup>(۳)</sup>

### نمونه‌هایی از عذرخواهی در قیامت:

گاهی به دروغ سوگند می‌خورند: «وَاللَّهِ مَا كَنَا مُشْرِكِينَ»<sup>(۴)</sup> به خدا سوگند ما مشرك نبودیم. آری یا به خاطر آن که دروغگویی جزء ذات آنان شده است و یا به گمان آن که در آن روز می‌توانند نجات یابند، سوگند دروغ یاد می‌کنند ولی در هر صورت، در این سخن آنان نوعی عذرخواهی و پیشیمانی است.

گاهی دیگران را مقصّر می‌دانند: «رَبَّنَا هُوَ لَاءُ اضْلَوْنَا»<sup>(۵)</sup> پروردگار! (ما نمی‌خواستیم گمراه شویم) پیشینیان ما را گمراه کردند.

گاهی به اطاعت از بزرگان و پیشیمان: «إِنَّا اطَّعْنَا سَادَتَنَا وَ كَبِرَائِنَا»<sup>(۶)</sup> پروردگار! ما به خاطر پیروی از بزرگانمان گرفتار شدیم.

۱. مرسلات، ۶

۲. روم، ۵۷

۴. انعام، ۲۳

۵. اعراف، ۳۶

۳. یس، ۶۵

۶. احزاب، ۶۷

گاهی به بی توجهی و کم فکری خود: «لو کنَا نسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ...» اگر به ندای انبیا گوش می دادیم یا تعقل می کردیم بدخت نمی شدیم.

گاهی به پشیمانی و جبران گذشته: «رَبَّ ارجُونَ لَعْنَ اعْمَلِ صَالِحٍ فِيمَا تَرَكَتْ»<sup>(۱)</sup> پروردگار! مرا به دنیا بازگردان، شاید در آنچه به جا گذاشته ام، عمل صالحی انجام دهم.

### پیامها:

۱- کفر، در قیامت بخشیدنی نیست و توبه کافر در آن روز بی ثمر است. آری، عناد و لجاجت و عصیت در برابر منطق و موعظه و معجزه، راه هر عذری را می بندد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْذِرُوا لِيَوْمَ»

۲- کیفرهای قیامت، چیزی جز عملکرد انسان نیست. «أَنَّمَا تَجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

﴿۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُذْلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا أَلَانِهَاُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَأَغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای کسانی که ایمان آوردید! به درگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای خالصانه. امید است که پروردگارتان بدی‌های شما را بپوشاند و شما را به بهشت‌هایی که نهرها از زیر آنها جاری است وارد کند. روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند خوار نکند، نورشان پیشاپیش آنها واژ سوی راستشان می‌شتابد، می‌گویند: پروردگار! نور ما را کامل کن و ما را بیامرن، همانا تو بر هر چیز توانایی.

## نکته‌ها:

◻ «نَصْحٌ» از «نُصْحٌ» به معنای خلوص و صدق است و گاهی به معنای محکمی نیز آمده است. در تفاسیر برای توبه نصوح مواردی آمده است، از قبیل: پشیمانی، استغفار، ترک گناه و تصمیم بر ترک در آینده، ترس از پذیرفته نشدن، گناه را در برابر خود دیدن و شرمنده شدن، گریه، کم سخن گفتن و کم خوردن و کم خوابیدن، پرداخت حقوق مردم و... بهتر است به سراغ روایات برویم.

◻ معاذ بن جبل از رسول خدا ﷺ پرسید: توبه نصوح چیست؟ فرمود: آن که انسان دوباره به سراغ گناه نرود. همان گونه که شیر دوباره به پستان باز نمی‌گردد. «لَا يَعُودُ اللَّبِنُ إِلَى الْضَّرَعِ». در حدیث دیگری می‌خوانیم: توبه نصوح آن است که باطن مثل ظاهر گردد و بلکه بهتر. «بَاطِنُ الرَّجُلِ كَظَاهِرِهِ وَ أَفْضَلُ»<sup>(۱)</sup>

◻ اگر مغورو شویم و بگوییم که توبه ما صد در صد پذیرفته می‌شود، راه را برای انجام یا تکرار خلاف هموار کرده‌ایم و لذا ضمن امیدوار بودن، نباید صد در صد مطمئن باشیم. چنانکه در این آیه می‌فرماید: «عَسَى رَبّكُمْ أَنْ يَكُفَّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ» و در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ لَعْلَكُمْ تَفْلِحُونَ» توبه کنید، شاید رستگار شوید. کلمه «لَعْلَّ» نشانه امیدوار بودن است.

◻ در آیات قبل، سخن از نار بود، در این آیه سخن از نور است. در آیات قبل سخن از پیشگیری بود، «قُوَا انفُسَكُمْ وَ أَهْلِيَّكُمْ نَارًا» در این آیه، سخن از درمان است که اگر نتوانستید خود را حفظ کنید و گرفتار گناه شدید، راه توبه باز است و نباید امید شما به یأس تبدیل شود. «تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ... عَسَى رَبّكُمْ»

◻ در دنیا و آخرت، پیامبر و مؤمنان عزیزنده در دنیا: «فَلَلَّهُ الْعَزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>(۲)</sup> عزّت مخصوص خدا و رسول و مؤمن است. در آخرت: «يَوْمَ لَا يَخْزُنُ اللَّهُ النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ» روزی که خداوند، پیامبر و یارانش را

۱. تفسیر نور الشقلین.  
۲. منافقون، ۸.

ذلیل نمی‌کند. (بلکه خذلان و رسایی، مخصوص کافران است.)

▣ همراهان پیامبر در قیامت، «آمنوا معه» همان کسانی هستند که در دنیا با مال و جان

خود جهاد می‌کردند و نسبت به کفار شدید و نسبت به مؤمنان رحیم بودند. «و الّذین معه

جاهدوا بِمَا وَلَمْ يَنْفَهُمْ»<sup>(۱)</sup>، «وَالّذِينَ مَعَهُ اشْدَاء عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءٌ بِنَفْسِهِمْ»<sup>(۲)</sup>

▣ دعا و درخواست از خداوند، همیشه نقش دارد: چه در دنیا: «اَهَدْنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و چه

در قیامت: «اَتَمْ لَنَا نُورًا»

▣ طلب مغفرت، هم در دنیاست: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذَنْبَنَا»<sup>(۳)</sup> هم در آخرت: «رَبَّنَا... وَاغْفِرْ لَنَا»

### پیام‌ها:

۱- در آیات قبل فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، «قُوَا اَنْفُسَكُمْ...» در

این آیه، راه آن را توبه واقعی می‌داند. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ»

۲- گاهی از مؤمن، گناه سر می‌زند که باید توبه کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا...»

۳- توبه باید به درگاه خدا باشد، نه افشاری گناه نزد بندگان. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ»

۴- یکی از تکالیف مؤمن، توبه از گناه است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا...»

۵- توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زیان. «تُوبَةً نَصُوحًا»

۶- هر توبه‌ای ارزش ندارد. «تُوبَةً نَصُوحًا»

۷- توبه، زمان و مکان خاصی ندارد. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تُوبَةً نَصُوحًا»

۸- برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد. «عَسَى رَبُّكُمْ»

۹- پذیرش توبه، از شئون ربوبیت است. «عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَكُفَّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ»

۱۰- ناپاکی و پلیدی در بهشت جای ندارد؛ اول پاک شدن، سپس وارد بهشت شدن. «يَكْفُرُ... يَدْخُلُكُمْ»

۱۱- نتیجه توبه دو چیز است: محظوظ شده «يَكْفُرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتُكُمْ» و تأمین آینده.

«يَدْخُلُكُمْ جَنَّاتٍ»

۳. آل عمران، ۱۹۳.

۲. فتح، ۲۹.

۱. توبه، ۸۸.

۱۲- ایمان به پیامبر کافی نیست، همراهی و تبعیت از آن حضرت لازم است. «و

الّذين آمنوا معه»

۱۳- عمل صالح دنیا، در قیامت به صورت نور ظاهر می‌شود. «نورهم يسعى بين ايديهم»

۱۴- کسانی که در دنیا دنبال نورند، «و اتبعوا النور الّذی انزل معه»<sup>(۱)</sup> در آخرت

غرق نورند. «نورهم يسعى بين ايديهم و من ايمانهم»

۱۵- در قیامت نیز تکامل هست. مؤمنان در آن روز به فکر تکمیل نور خود هستند. «ربنا اقم لنا نورنا»

۱۶- مؤمنان واقعی در فکر ریزش و کاهش بدی‌ها، «و اغفر لنا» و رویش و جهش خوبی‌ها هستند. «اقم لنا نورنا»

۱۷- امید به استجابت دعا، «اقم لنا نورنا و اغفر لنا» برخاسته از قدرت مطلقه اوست. «انك على كل شئ قادر»

**﴿۹﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ  
جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ**

ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سختگیر و جایگاه آنان دوزخ است و بد جای بازگشتی است.

#### نکته‌ها:

□ گرچه کفار و منافقین، هردو در دوزخند، «مأواهم جهنم»، «جامع المنافقين و الكفار في جهنم جميعا»<sup>(۲)</sup> لکن به خاطر خطر و توطیه و آلت دست شدن منافقان، جایگاه دوزخی منافقان بدتر از کفار است. «انَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدُّرُكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»<sup>(۳)</sup>

□ جهاد با کفار و منافقین، فرمان خداست ولی شکل و شیوه آن در اختیار پیامبر و جانشینان

به حق آن حضرت است. لذا پیامبر ﷺ در برابر منافقان لشکرکشی نکرد، ولی در زمان حضرت علی علیه السلام چون آنان سپاه و لشکری تشکیل داده بودند آن حضرت با آنان جنگید.

### پیام‌ها:

- ۱- جنگ و جهاد، باید زیر نظر رهبر الهی باشد. «بِاَيْمَانِ النَّبِيِّ جَاهَدَ الْكُفَّارَ»
- ۲- حقیقت دین، باور قلبی است، لذا اظهار کنندگان دروغین که منافقانند در کنار کفار آورده شده‌اند. «الْكُفَّارُ وَ الْمُنَافِقُونَ»
- ۳- اسلام دین جامع است. در جای خود رافت دارد و در جای خود سخت‌گیری و خشنونت. «وَ اغْلَظُ عَلَيْهِمْ»
- ۴- انسان در اثر کفر و نفاق به جایی می‌رسد که پیامبر رحمت باید بر او بخروشد و با او بخورد شدید کند. «وَ اغْلَظُ عَلَيْهِمْ»
- ۵- کشته شدن کفار و منافقان به دست مؤمنان، چیزی از عذاب آنان در قیامت نمی‌کاهد. «جَاهَدُوا وَ مَا وُهُمْ بِجَهَنَّمَ يَنْتَهُونَ»

﴿۱۰﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرَاتٌ نُوحٌ وَأَمْرَاتٌ لُّوطٌ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنْ أُلْلَهِ شَيْئًا وَقِيلَ أَنْخَلَّا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ

خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است که این دو زن، همسر (واز خانواده) دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برابر (کیفر) خداوند، برای آن دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش وارد شوید با وارد شوندگان.

### نکته‌ها:

- ▣ این آیه، دو زن را به عنوان نمونه اعلای کفر معزّفی کرده است که هر دو، در خاندان رسالت زندگی می‌کردند و همسر دو پیامبر الهی بودند، اما با مخالفان آنان هم رأی و

همدست بودند. در آیات بعد نیز، دو زن را به عنوان نمونه برتر ایمان معرفی می‌کند، یکی همسر فرعون مشرک و ستمگر و دیگری حضرت مریم.

- در آغاز سوره، سخن از انحراف دو نفر از زنان پیامبر بود، «صفت قلوبکما» و فرمود: اگر علیه پیامبر توطئه کنید، خداوند و فرشتگان و مؤمنان حامی او هستند. در اواخر این سوره، سخن از دو همسر دوزخی حضرت نوح و لوط است که به خاطر خیانت دوزخی شدند، و آن دو پیامبر، با وجود مقام نبوت، نمی‌توانند چیزی از قهر خدا را از همسرانشان دفع کنند.
- همسر پیامبر بودن سبب نجات نیست. چنانکه فرزند پیامبر بودن نیز چنین است، بلکه عملکرد خود انسان است که به دنبال آن سعادت یا شقاوت است. در قرآن علاوه بر این آیه، چندین بار از هلاکت زن لوط سخن به میان آمده است. «كانت من الغابرين»<sup>(۱)</sup>
- بهترین روش در تربیت، تذکر غیر مستقیم است. با این که ابولهب و پسر نوح نیز نمونه کفر بودند، اما خداوند به همسران دو پیامبر مثال زد و کلمه خیانت را مطرح کرد تا با فاش کردن راز پیامبر ﷺ توسط همسرش که نوعی خیانت است، تناسب داشته باشد و هشدار و اخطاری به زنان پیامبر باشد که گمان نکنند وابستگی به پیامبر کلید نجات است.
- حفظ خانواده از آتش دوزخ که در آیه ششم خواندیم، «قوا افسکم و اهليكم» به معنای موققیت صد درصد انسان نیست. زیرا گاهی خانواده او زیر بار نمی‌روند. «فخانتاهم»
- در احادیث می‌خوانیم که زن نوح و لوط خیانتی به معنای انحراف جنسی نداشتند.<sup>(۲)</sup> بلکه مراد از خیانت، مخالفت با برنامه‌ها و اهداف پیامبر و همکاری با مخالفان آنان است.

### پیام‌ها:

- ۱- زن می‌تواند الگوی فساد یا صلاح، در طول تاریخ باشد. «ضرب الله مثلاً... امرأة نوح و امرأة لوط»
- ۲- از بی ادبان می‌توان ادب آموخت. «ضرب الله مثلاً... امرئة نوح»

۱. اعراف، ۸۳؛ حجر، ۶۰؛ شعرا، ۱۷۱؛ نمل، ۵۷؛ عنکبوت، ۳۲ و ۳۳؛ صافات ۱۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۰۷.

۳- زن در عقیده و عمل آزاد است. وابستگی خانوادگی و اقتصادی و اجتماعی او را مجبور نمی‌کند. «کانتا تحت عبدين من عبادنا... فخانتاهما»

۴- عبودیت و صلاحیت، رمز رسیدن به درجه نبوّت بود. «عبدین من عبادنا صالحین»

۵- جریان کفر و نفاق، حتی در خانه انبیا نفوذ می‌کند. «فخانتاهما»

۶- بندگی و عبادت، زمانی ارزش دارد که همراه با عمل صالح باشد. «عبدین... صالحین»

۷- در نظام خانوادگی دینی، سرپرستی و مدیریت با مرد است. «کانتا تحت عبدین»

۸- وابستگان فاسد، ضربهای به عصمت و عدالت رهبران آسمانی نمی‌زنند.  
«عبدین من عبادنا... فخانتاهما»

۹- خیانت به مكتب، انسان را به جایی می‌رساند که حتی شفاعت انبیا سودی ندارد. «فلم يغنيا عنهم من الله شيئاً»

۱۰- هیچ عاملی مانع قهر الهی نیست. «فلم يغنيا...»

۱۱- خیانت، راه دوزخ است. «فخانتاهما... ادخلاء النار»

﴿۱۱﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا أَمْرَاتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ أَبْنِ لَى  
عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجَّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجَّنِي مِنْ  
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، به همسر فرعون مثل زده است.

آن گاه که گفت: پروردگار! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش.

#### نکته‌ها:

■ در آیات قبل، دو نمونه زن بد (همسر نوح و لوط) معرفی شد و در آیات ۱۱ و ۱۲، دو نمونه

زن خوب معرفی می‌شود. (همسر فرعون و حضرت مریم)

■ هنگامی که آسیه، همسر فرعون، معجزه حضرت موسی را دید، به او ایمان آورد و فرعون،

به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین میخکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذرانید، دعاویش این بود، «رب ابن لی عندك بيتأ في الجنة»<sup>(۱)</sup>

- لازم نیست الگو، پیامبر یا امام معصوم باشد و لازم نیست سابقه توحیدی داشته باشد. زن فرعون، نه معصوم بود و نه موحد، بلکه با دیدن معجزه موسی ایمان آورد.
- در معرفی الگو و تجلیل از شخصیت‌ها، فرقی میان زن و مرد نیست. قرآن به پیامبرش دستور می‌دهد که یاد ابراهیم را زنده نگه دار: «واذکر فی الکتاب ابراہیم»<sup>(۲)</sup> و یادآور مریم باش: «واذکر فی الکتاب مریم»<sup>(۳)</sup> چنانکه در این آیه، همسر فرعون را معرفی می‌کند.  
«ضرب اللہ مثلاً لِّلّذین آمنوا امرأة فرعون»

### سیمای همسر فرعون

- ۱- محیطزده نبود و جامعه شخصیت او را نساخته بود. او با منطق در برابر رژیمی فاسد ایستاد.
  - ۲- زرق و برق زده نبود و به تمام مظاهر دنیوی پشت کرد، و از کاخ و رفاه و مادیات گذشت.
  - ۳- فضای سکوت و خفقان را شکست.
  - ۴- صبور بود و زیر شکجه جان داد و شهید شد ولی از راه و مکتبش دست بر نداشت.
  - ۵- حامی رهبر معصوم زمان خود، حضرت موسی بود.
  - ۶- بلند همت بود. او به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود.
  - ۷- شهامت داشت و تهدیدات فرعون در او اثر نگذاشت.
  - ۸- رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت.
  - ۹- منطق و عقل و وحی را بر مسایل خانوادگی ترجیح می‌داد.
  - ۱۰- با نهی از منکر خود که گفت: «لا تقتلوه»<sup>(۴)</sup> موسی را در کودکی از مرگ نجات داد.
- همسر فرعون ثابت کرد بسیاری از شعارهایی که در طول زمان، جزء فرهنگ مردم شده،

۱. تفسیر مجتمع البیان.

۲. موسی، ۴۱.

۳. مریم، ۱۶.

۴. قصص، ۹.

غلط است و باید آن را عوض کرد.

می‌گویند: خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو. اما او گفت: من هم رنگ جماعت نمی‌شوم و رسوا هم نمی‌شوم.

می‌گویند: یک دست صدا ندارد، اما او ثابت کرد که یک نفر نیز می‌تواند موج ایجاد کند.

می‌گویند: زن شخصیت مستقل ندارد، اما او ثابت کرد زن در انتخاب راه مستقل است.

می‌گویند: با مشت نمی‌شود به جنگ درفش رفت، اما او ثابت کرد حق ماندنی است و اگر مشت روی آهن اثر ندارد، روی افکار عمومی در تاریخ اثر دارد.

می‌گویند: با یک گل بهار نمی‌شود، اما او ثابت کرد اگر خدا بخواهد با یک گل بهار می‌شود.

می‌گویند: فلانی نمک خورد و نمک‌گیر شد، همسر فرعون نان و نمک فرعون را خورد ولی از عقیده او متنفس بود و می‌گفت: «خنّى من فرعون» خدایا! مرا از فرعون نجات بده.

### أنواع خانواده‌ها در قرآن

۱- زن و شوهری که هم‌فکر و همگام در کار خیر هستند. (همچون حضرت علی و حضرت زهرا علیها السلام ) «يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ»<sup>(۱)</sup>

۲- زن و شوهری که در خباثت هم‌فکر و همگام هستند. (ابولهب و همسرش) «تَبَّتْ يَدَا إِبْرَاهِيمَ... وَأَمْرَأَتِهِ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ»

۳- خانواده‌ای که مرد خوب، اما زن بد است. (زن لوط و نوح) «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدِينَ... فَخَاتَاهُمَا»<sup>(۲)</sup>

۴- خانواده‌ای که مرد بد، اما همسر خوب است. (زن فرعون) «مَثَلًا لِلّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةُ فَرَعَوْنَ»

### پیام‌ها:

۱- زن می‌تواند الگوی مردان تاریخ شود. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةُ فَرَعَوْنَ»

۲- مقایسه الگوهای از روش‌های تربیت است. «مَثَلًا لِلّذِينَ كَفَرُوا... مَثَلًا لِلّذِينَ آمَنُوا»

۳- فشار محیط و جامعه، وابستگی اقتصادی، زن بودن، تقاضای همسر و ترس از

۱. انسان، ۸. ۲. تحریم، ۱۰.

آوارگی، هیچ کدام دلیل بی دینی نمی شود. «ضرب اللہ مثلاً للذین آمنوا امرائے فرعون...»

- ۴- برای اتمام حجت، یک نمونه هم کافی است. «ضرب اللہ مثلاً... امرائے فرعون»
- ۵- حرف اول را اراده انسان می زند، نه چیز دیگر. «ضرب اللہ مثلاً... امرائے فرعون»
- ۶- مبارزه با طاغوت، با دعا منافاتی ندارد. «رب... نجّنی من فرعون»
- ۷- نجات از طاغوت، پشتونه معنوی لازم دارد. «رب... نجّنی من فرعون»
- ۸- مهم‌تر از بهشت، قرب معنوی به خداست. «رب ابن لی عندک...»
- ۹- ایمان سبب تنفس از ستمگران است. زن فرعون به خاطر ایمانی که داشت از تمام رفتارهای فرعونی متفرق بود. «نجّنی من فرعون و عمله»
- ۱۰- اطاعت زن از مردم در عقیده لازم نیست، بلکه گاهی باید موضع بگیرد. «نجّنی من فرعون»
- ۱۱- روابط خانوادگی مرز دارد و همین که به انحراف و کفر رسید باید تغییر کند. «نجّنی من فرعون»
- ۱۲- تبریز از کفر، شرط ایمان است. «نجّنی من فرعون و عمله»
- ۱۳- ابراز تنفس و انزجار از دیگران، باید ملاک و معیار عقلی و شرعاً داشته باشد. «من فرعون... من القوم الظالمین»

﴿۱۲﴾ وَمَرْيَمَ أُبْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِيْ أَحْصَنْتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا  
وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنْ الْقَانِتِينَ

و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامان او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه گان بود.

**نکته‌ها:**

■ **﴿أَحْصَنْتَ﴾** از «حسن» به معنای قلعه، در مورد زنان، رمز عفت و پاکدامنی است.

- در این آیه چهار کمال برای حضرت مریم بیان شده است: پاکدامنی، نفخه‌ی روح، تصدیق پیامبران و کتب آسمانی و اطاعت محض در برابر خدا.
- در تفاسیر شیعه و سنتی آمده است که زنان کامل چهار نفرند: آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر حضرت محمد ﷺ.<sup>(۱)</sup>
- تنها زنی که نامش در قرآن آمده، حضرت مریم است که ۳۶ مرتبه در دوازده سوره از او نام برده شده و یک سوره قرآن، به نام اوست.
- الگو باید مختلف با شرایط و محیط‌های گوناگون باشد، تا قابل تطبیق با هرکس و هر زمان و شرایط مختلف باشند: زن فرعون، حضرت مریم، حضرت ابراهیم و حضرت محمد ﷺ.
- خداوندان از پاکان دفاع می‌کند. چون به حضرت مریم تهمت ناپاکی زدند، «وَقُولُمْ عَلَى مَرِيمَ هَتَّانَا عَظِيْمَا»<sup>(۲)</sup>، خداوند در قرآن دو بار فرمود: او پاکدامن است. «احصنت فرجها»<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- قرآن، حضرت مریم را به عنوان الگوی پاکدامنی برای مردان و زنان معروفی کرده است. «اللَّذِينَ آمَنُوا... مَرِيمَ بِنْتُ عُمَرَانَ»
- ۲- ارزش زن به پاکدامنی اوست. «مَرِيمَ بِنْتُ عُمَرَانَ الَّتِي احْصَنَتْ فَرْجَهَا»
- ۳- گام اول را باید انسان بر دارد، آنگاه الطاف الهی سرازیر می‌شود. «احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا»
- ۴- فرزند پاک از دامان پاک بر می‌خیزد. «احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا»
- ۵- عمل به احکام و دستورات الهی، بهترین تصدیق آنهاست. «صدقت بكلمات ربهَا و كتبِهِ»
- ۶- خضوع و خشوع در عبادت خداوند، در کنار تصدیق قولی لازم است. «صدقت و كانت من القانتين»  
«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۳. انبیاء، ۹۱؛ تحریم، ۱۲.

۱. تفسیر مجتمع البیان. ۲. نساء، ۱۵۶.

